



The Effect of Globalization on Foundation of National Criminal Justice Systems

Mohammad Hemmat¹, Mahmoud Malmir^{2*}, Masoud Heidari³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 31-44

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-6183-6969

TELL: +989107030091

Email: Dr.malmir1@gmail.com

Article history:

Received: 30 Jan 2022

Revised: 19 Mar 2023

Accepted: 06 Apr 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Crime, Cyberspace, Internet, Globalization.

ABSTRACT

Globalization has affected many areas of human life with various tools, and cyber space has played the biggest role. Although the cyberspace and globalization together have brought many benefits to human life, But these two have been able to come to the aid of the criminals by using both as a tool and as a process and make it easier to commit crimes in cyber space; In such a way that today the thinkers in the field of criminology talk about the globalized space of crime. The purpose of this research is to investigate the effect of globalization on the foundations of national criminal law systems. In this regard, the current research, which was compiled with a descriptive-analytical method, seeks to answer the question, what effect will the concept of globalization have on the national criminal law systems? The results of this research show that among the most important developments that are created under the influence of globalization in the field of criminal law are Changing the discourse of the system governing crimes and punishments in the age of globalization, the securitization of criminal law, criminal inflation and extreme criminalization, the threat of human rights, the vulnerability of governments to globalized crimes.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Hemmat, M; Malmir, M & Heidari, M (2023). "The Effect of Globalization on Foundation of National Criminal Justice Systems". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 31-44.



مقدمه

رسالت اصلی هنجارهای عالم حقوق، در واقع تنظیم‌کننده روابط میان تابعان حقوق است. در حال حاضر از یک‌سو با سایه انداختن فضای پست‌مدرنیزم بر زندگی بشر، فضای روابط نیز با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مواجه شده است و از سوی دیگر اصول و قواعد عالم حقوق از بدو تولد برای مواجهه با این چالش‌ها طراحی نشده‌اند. نتیجه منطقی این فضا، پیچیده شدن مناسبات مفاهیم، اصول و قواعد حقوقی است. در فضای روابط میان تابعان حقوق، متغیرهای مختلفی وجود دارد. یکی از این متغیرها گسترش صنعت و به تبع آن ارتباطات می‌باشد. با گسترش فضای ارتباطات، مفهوم «جهانی شدن» در ادبیات نویسندگان حوزه علوم انسانی پدیدار شد. در این چارچوب، پدیده مرز و محدودیت‌های روابط انسانی درهم شکسته می‌شود و در نتیجه ارتباط جوامع با یکدیگر گسترش می‌یابد. عالم حقوق نیز تحت تأثیر این فضا قرار می‌گیرد و ارتباطات گسترده نظام‌های حقوقی با یکدیگر و تأثیر متقابل آن‌ها شکل می‌گیرد.

جهانی شدن بسیاری از حوزه‌های حیات آدمی را با ابزارهای گوناگون تحت تأثیر قرار داده که فضای سایر در این بین بیشترین نقش را داشته است. اگرچه فضای فن‌آوری و جهانی شدن در کنار هم، مزایای زیادی را برای حیات آدمی به دنبال داشته‌اند، اما این دو به کمک هم به عنوان ابزار و هم به عنوان فرآیند توانسته‌اند به کمک مجرمین آمده و ارتکاب جرم را در فضای مجازی با سهولت بیشتری همراه سازند؛ به گونه‌ای که امروزه اندیشمندان حوزه جرم‌شناسی از فضای جهانی شده جرم صحبت می‌کنند. در واقع فرآیند یکسان سازی و جهانی شدن اگرچه هدایای گران‌بهایی برای انسان داشته است اما نباید از هزینه‌های آن نیز غافل ماند.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید عنایت داشت که رسالت حقوق کیفری هنگامی که با ارزش‌های انسانی و حقوق بشری جهانی شده پیوند می‌خورد اهمیتی دو چندان می‌یابد؛ چراکه پاره‌ای از ارزش‌های جهانشمول حقوق بشری، جزء حقوق واجد جنبه کیفری نیز به شمار می‌روند و از این‌رو حمایت از آنها به طور مشترک در عصر جهانی شدن

به هر دو بخش حقوق واگذار شده است؛ بخشی از این حمایت‌ها به عهده حقوق کیفری است و بخشی دیگر به عهده حقوق بشر می‌باشد.

پرسی که در این‌جا مطرح می‌شود و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که مفهوم جهانی شدن چه تأثیری بر نظام‌های حقوق کیفری ملی خواهد گذاشت؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که از جمله مهم‌ترین تحولاتی که تحت تأثیر جهانی شدن در عرصه حقوق کیفری ایجاد می‌شود می‌توان به تغییر گفتمان نظام حاکم بر جرایم و مجازات‌ها در عصر جهانی شدن، دژواره شدن حقوق کیفری، تورم کیفری و جرم‌انگاری افراطی، تهدید حقوق بشر، آسیب‌پذیری دولت‌ها در قبال جرایم جهانی شده اشاره کرد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله حقیقت و دولتشاهی تحت عنوان «فرایند جهانی شدن حقوق کیفری» اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، دیوان کیفری بین‌المللی که نخستین نهاد قضایی دایمی و مستقل جهانی است، با صلاحیت عام، مأموریت یافته است در گستره جغرافیایی جهان با جنایات مهم بین‌المللی مبارزه کند. این نهاد نوپا، نمود آغاز گام‌های عملی در ظهور عدالت کیفری بین‌المللی است و از این جهت که نقش مهمی در جهانی شدن حقوق کیفری دارد، ساختار، صلاحیت و حقوق قابل اجرای آن را در این مقاله مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. در ارتباط با نوآوری‌های پژوهش حاضر باید عنایت داشت که تمرکز پژوهش‌های موجود بر دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد حالی که تمرکز پژوهش حاضر بر آثار جهانی شدن بر بنیان‌های نظام‌های حقوق ملی است.

۱- تعریف جهانی شدن

مفاهیم در حوزه علوم انسانی، بنیادی‌ترین عنصر و کوچکترین جزء تشکیل دهنده نظریات هستند و در عین حال، آسیب‌زاترین بخش، به سبب احتمال بدفهمی‌های فراوان و دامن زدن به مجادلات بی‌سرانجام‌اند. مفهوم جهانی شدن نیز کم‌وبیش در این مقوله می‌گنجد و برای ارائه تعریفی جامع و

ساختارهای اجتماعی نوگرایی (سرمایه‌داری، عقل گرایی، صنعت‌گرایی، دیوان‌سالاری و غیره) در سراسر دنیا گسترش می‌یابد و به‌طور طبیعی فرهنگ‌های پیشین و خود مختاری محلی را نابود خواهند کرد.

- نگرش پنجم جهانی شدن را قلمروزدایی می‌داند؛ طبق این تفسیر جهانی شدن شامل تجدید شکل بندی جغرافیایی است. به طوری که فضای اجتماعی دیگر به‌طور کامل بر حسب سرزمین‌ها، فاصله‌های ارضی و مرزهای سرزمینی شناسایی نمی‌شوند (Bohlander, 2010: 11).

۲- جهانی شدن حقوق کیفری

تأثیر جهانی‌شدن بر پدیده‌های اجتماعی، برخی را بر آن داشته که این فرایند را به‌عنوان تغییرات کلان اجتماعی در سطح جوامع تعبیر کنند. امروزه بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی مانند صلح، جرم، مهاجرت، تولید، استخدام، گسترش تکنولوژی، تهدیدات محیط زیست، توزیع درآمد و رفاه و پیوستگی اجتماعی و هویت به‌عنوان پدیده‌های متأثر از جهانی‌شدن توصیف می‌شوند (گئورگ، ۲۰۰۸: ۴۱۳). حقوق بین‌الملل، حقوق تجارت، حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق جزا و دیگر شعب حقوق نیز متأثر از جهانی‌شدن هستند. دور شدن نزدیک‌ها و نزدیک شدن دورها، حقوق را به پدیده‌ای جهانی تبدیل کرده است. به گفته عزت فتاح، این سؤال که آیا با جهانی‌شدن حقوق موافقیم یا نه دیگر مطرح نیست. این یک واقعیت است؛ حقوق جهانی می‌شود و غالباً بحران‌ها سرآغاز این فرایند هستند (دلماز مارتی، ۳۷۸: ۲۳).

جهانی‌شدن، بر بزه و بزه‌کار و بزه‌دیده، فرایند ارتکاب جرم و شیوه رسیدگی و ادله اثبات دعوی، جرم‌انگاری و جرم‌زدایی و در مجموع بر سیاست جنایی مؤثر بوده است. جهانی‌شدن، مواقعی چالش‌های جدیدی را ایجاد کرده و مواقعی به رفع چالش‌ها یاری رسانده است. برای مثال جرم به لحاظ تاریخی پدیده‌ای محلی و بومی بوده است. اکثر قربانیان قتل‌ها مشخص و بیشتر بزه‌دیدگان کودک‌آزاری، آزاردهندگان خود را می‌شناختند و قربانیان سرقت برای پیدا کردن سارق، نیازی به دیدن ماورای محله و محدوده خود نداشتند (پاتریک،

مانع از آن دشواری‌هایی در پیش‌روی دانشمندان وجود دارد. این مفهوم نیز مانند سایر مفاهیم در علوم انسانی دال و شناور و تهی است فلذا تعریف واحدی از جهانی شدن وجود ندارد. جهانی شدن معادل واژه انگلیسی Globalization است. مالکوم واترز معتقد است این واژه از دهه ۱۹۶۰ رواج یافته است این واژه اولین بار در سال ۱۹۶۱ وارد فرهنگ و بستر شد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۷۸). برخی دانشمندان به آثار مثبت جهانی شدن پرداخته‌اند درحالی‌که دیگران آثار نامطلوب آن را مورد توجه قرار داده‌اند. جهانی شدن به معنای گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان است. دست‌کم پنج تعریف گسترده جهانی شدن را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد. این مفاهیم از برخی جنبه‌ها مربوط به هم و تا حدودی دارای هم پوشی است اما تأکیدات آنها به میزان چشمگیری متفاوت‌اند (والتر اشتاین، ۱۳۷۷: ۵۷).

- یکی از برداشت‌های رایج استنباط جهانی شدن به معنای بین‌المللی شدن است از این دیدگاه واژه جهانی فقط صفت دیگری برای توصیف روابط برون مرزی میان کشورها و اصطلاح جهانی شدن مشخص کننده توسعه معادلات بین‌المللی و وابستگی متقابل است (Nelken, 2013: 1-2).

- در کاربرد دوم جهانی سازی به معنای آزاد سازی در نظر گرفته می‌شود (Mitsilegas et al, 2015: 42).

- در برداشت سوم جهانی شدن به فرایند برداشته شدن محدودیت‌هایی اطلاق می‌شود که دولت‌ها در فعالیت‌های میان کشورها برقرار می‌کنند و هدف آن به وجود آوردن اقتصاد جهانی آزاد و بدون مرز است. از این دیدگاه یکی از تحلیل‌گران معتقد است که جهانی شدن به شعاری برجسته برای توصیف فرایند یکپارچگی اقتصادی بین‌المللی تبدیل می‌شود. در این کاربرد، واژه جهان به معنای سراسر دنیا و جهانی شدن یعنی فرایند انتشار تجربیات و هدف‌های گوناگون برای مردم چهار گوشه دنیا (میلر، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

- تعریف چهارم، جهانی شدن را به معنای غربی کردن یا نوگرایی به ویژه به شکل آمریکایی شدن می‌داند از این دیدگاه جهانی شدن نوعی پویایی است که از طریق آن

کرده‌اند. اگر اصل صلاحیت سرزمینی و صلاحیت شخصی هم پاسخ‌گو نباشند برای رفع نقیصه اصل صلاحیت واقعی مورد توجه قرار گرفته است. متهمین برخی از جرایم در هر کشوری که دستگیر شوند طبق قوانین جزایی همان کشور تعقیب می‌شوند (ولیدی، ۱۳۷۸: ۱۸۰). اگر بین بین‌المللی شدن و جهانی شدن چنان که برخی گفته‌اند، تفکیک قائل نشویم می‌توان گفت جهانی شدن حقوق برای اولین بار در مورد جرم «دزدی دریایی» اتفاق افتاده است. پس از آن، جرایم دیگری مانند قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و تورسم جنسی، مشمول این فرایند شده‌اند (Robinson, 2020: 748).

دزدی دریایی از دیرباز جرم بین‌المللی شناخته شده و عرف بین‌الملل اجازه انجام اقدامات قهری علیه راهزنان دریایی را به همه کشورها داده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در مواد ۱۰۰ تا ۱۰۷، قواعد ویژه‌ای را به راهزنی دریایی اختصاص داده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۳۵۳). تعقیب در هر یک از مناطق دریایی در حقوق بین‌الملل از قواعد ویژه‌ای تبعیت می‌کند. اما ماده ۱۰۵ عهدنامه ۱۹۸۲، صلاحیت عام همه کشورها برای تعقیب و دستگیری و مجازات راهزنان دریایی را تجویز کرده است (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۳: ۹۰). وفق ماده ۱۰۵ قانون مذکور: «در دریاهای آزاد یا هر جای دیگر خارج از صلاحیت هر کشور، هر کشور می‌تواند یک کشتی یا هواپیمای راهزن یا یک کشتی یا هواپیمایی که با راهزنی گرفته شده و تحت کنترل راهزنان است را توقیف و اشخاص را دستگیر و اموال در کشتی یا هواپیما را توقیف نماید. دادگاه‌های کشوری که توقیف را انجام داده می‌توانند در مورد مجازات‌هایی که اعمال می‌شوند تصمیم بگیرند و همچنین می‌توانند اقدامی را که در مورد آن کشتی، هواپیما یا اموال اتخاذ می‌شود تعیین کنند؛ مشروط به اینکه حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت رعایت گردند.»

شاید مهم‌ترین جرم‌انگاری متأثر از روند جهانی شدن، جرم‌انگاری اعمال رژیم‌های دیکتاتوری باشد. چنان که مبرهن است بخش مهمی از تاریخ قرن بیستم همراه با زشتی‌ها و قساوت‌ها و جنایات فراوان قرین و از سوی اجتماعات بین‌المللی با پاسخ‌هایی همراه بوده است. به دنبال واقعه هولوکاست و دیگر جنایت‌هایی که از سوی عاملان رژیم

۲۰۰۶: ۵۰۷). کشف رایانه و دسترسی به فضای سایبر که عامل مؤثر در تحقق جهانی شدن بوده، مولد بزه سایبری و مجرمینی شده که دسترسی به آن‌ها و کشف و اثبات جرایم‌شان در فضای مجازی سایبر، دشوار و بعضاً غیرممکن است (Schweppe & Walters, 2016: 2). به گفته جرج پیکا، بین‌المللی شدن جهان و بازشدن مرزها فرصت‌های تازه‌ای را برای بزهکاران در بخش‌های سودآور، مانند بزهکاری اقتصادی در جرایم سازمان‌یافته، ایجاد کرده است. تکامل شبکه‌های ارتباطات به سهم خود، انتقال تقریباً آنی سرمایه‌های هنگفت را آسان کرده است. این امر موجب می‌شود مرتکبان از تحقیقات و رسیدگی پلیس و دادگستری رهایی یابند. متنوع شدن فعالیت‌های مرتکبان جرایم سازمان‌یافته در سودآورترین بخش‌ها، با پیچیده‌ترین روش‌های اقدام همراه است که به نوبه خود روش‌های جدیدی را برای کنترل بزهکاری می‌طلبد (پیکا، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

پرسش اصلی آن است که برای ورود عناوین مجرمانه به دایره حقوق کیفری و خروج جرم‌های وضع شده از این محدوده، دول همگام با جریان جهانی شدن حرکت کرده‌اند یا خیر؟ آیا الزامات یا موانعی در این راستا وجود دارد؟ این بایدها و نبایدها کدام‌اند و چگونه تعیین می‌شوند؟ برای همسوس شدن فرایند جرم‌انگاری و جرم‌زدایی با جهانی شدن دو مانع عمده وجود دارد. یکی اصل حاکمیت سرزمینی قوانین جزایی و دیگر «نسبی‌گرایی فرهنگی».

مراد از اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی این است که این قوانین درباره همه کسانی که در قلمرو حاکمیت یک کشور مرتکب جرم شوند اجرائی است و در خارج از آن قابلیت اجرائی ندارد. قریب به ۱۹۰ کشور در جهان فعالانه می‌کوشند تا از حق حاکمیت خود دفاع کنند. هر کشور مدعی است مناسب‌ترین و قابل دفاع‌ترین نظام حقوقی را نسبت به سایرین دارد و با این طرز تلقی هیچ کشوری حاضر به ازدست‌دادن اقتدار حاکمیتی خود تحت تأثیر روند جهانی شدن نیست (Fraser & Leyh, 2020: 193). همچنین با توجه به آنکه اصل صلاحیت سرزمینی در پاره‌ای از اوقات برای حل مسائل جزای بین‌الملل کافی نیست، اصل صلاحیت شخصی را طرح

جوامع اروپایی، بیش‌ازپیش رعایت قواعد عمومی و جهان‌شمولی را که در شکل‌گیری حقوق مشترک جهانی و کثرت‌گرا نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند، به دولت‌ها تکلیف کرده است (اسماعیل‌زاده کاشفی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

قاره اروپا با توسعه دو سازمان شورای اروپا و اتحادیه اروپا موقعیت خود را به‌عنوان محیط شکل‌گیری حقوق اروپایی و آزمایشگاه اروپایی به تثبیت رسانده است. بازشدن مرزها در فرایند جهانی‌شدن به کمک فناوری‌های نوین رایانه‌ای مشکلات زیادی برای دولت‌ها ایجاد کرده که پاسخ انفرادی به آن کارساز نیست. موانع حقوقی ناشی از حاکمیت دولت‌ها با آسان‌شدن عبور از مرزها برای بزهکاران دو قطب متعارض جهانی‌شدن حقوق است که باید برای آن چاره‌ای اندیشید (Stahn, 2019: 19-20).

۳- موانع جهانی‌شدن حقوق کیفری

از طرفی وفاق عام بسیاری از کشورها در پیوستن به معاهداتی از این دست و از طرف دیگر تلقی‌شدن آن به‌عنوان قواعد حقوق بشری یا قواعد عام حقوق بین‌الملل که تخطی از آن پذیرفته‌شده نیست، حقوق را به سمت جهانی‌شدن هدایت می‌کند. معاهدات بین‌المللی مهم‌ترین اسنادی هستند که ارزش‌های جهانی سزاوار حمایت کیفری را انعکاس می‌دهند. سرزنش و تقبیح بین‌المللی که از طریق این کنوانسیون‌ها ابراز می‌شود، نمایانگر به‌رسمیت‌شناختن مصلحت و ارزشی است که جامعه بین‌المللی با جرم‌انگاری تجاوز به آن، درواقع به حمایت از آن پرداخته است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۶۹). آنجاییکه نقض قواعد آمره و حقوق بشری مطرح می‌شود حتی قوی‌ترین مدافعان مصونیت حاکمیت دولت‌ها این مفهوم را به کنار می‌نهند. دراین‌صورت کشورهای عضو یا غیرعضو سازمان ملل متحد یا دیگر ارکان بین‌المللی خواه به معاهداتی از این جنس ملحق شده باشند یا نه، ملتزم به رعایت قواعد آن هستند. در واقع امر هماهنگ‌سازی حقوق کشورهای مختلف در پرتو معیارهای حقوق بشر به ایجاد حقوق جهانی کمک شایانی کرده است. این هماهنگی در حوزه حقوق کیفری اختصاصی، به‌دلیل تفاوت در مفاهیم نظم و عدالت که از مبانی موجهه اصلی در

آلمان نازی ارتکاب یافت در خلال جنگ جهانی دوم، متفقین اقدام به ایجاد یک دادگاه نظامی بین‌المللی برای مجازات مرتکبان نمودند. ویرانی‌ها و قتل‌عام‌ها و کشتارهای جنگ جهانی دوم منجر به تشکیل سازمان ملل متحد گردید که بی‌درنگ اقدام به تهیه یک فرمول جامع، برای حمایت از افراد و اجتماعات به دلیل منع تکرار آنچه در گذشته رخ داده بود نمود. این تضمینات شامل «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژنو ساید» (معروف به کنوانسیون ژنو ساید) و «کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو» بود که رفتارهای مشخصی را در مناقشات بین‌المللی پیش‌بینی می‌کردند. با وجود چهارچوب تضمینات مذکور، هنوز کشتار عده وسیعی از مردم به‌وسیله رژیم‌های توتالی‌تر ستمگر ادامه داشت. استالین میلیون‌ها نفر را در شوروی سابق کشت. در چین در جریان کمونیزه‌کردن و انقلاب فرهنگی، در کامبوج و کشورهای مختلف آفریقایی نیز بسیاری کشته شدند. مکرراً نهادهای بین‌المللی از طریق انعقاد معاهدات ثانویه و ارائه راهکارهای مناسب، سعی در بهبود و اصلاح وضعیت مردم جهان داشته‌اند (پاتریک، بیتا: ۱۵). ازجمله این توافقات می‌توان از «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «کنوانسیون مبارزه با شکنجه و دیگر رفتار و مجازات‌های رنج‌آور و غیرانسانی و تحقیرکننده»، «کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض نژادی» و «کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان» اشاره کرد که درواقع زیربنای حقوق بشر مدرن را بنیان نهادند. در ادامه تشکیل دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی و در سطح جهانی و با تکمیل روند یادشده یعنی تأسیس «دادگاه بین‌المللی روم» که نمودار نقطه آغاز تدوین جرایم کیفری بین‌المللی است، اعتبار جهانی دادگاه‌های بین‌المللی به مفهوم امروزی معلوم گردید. ژنو ساید، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و جرایم مرتبط با تجاوز در صلاحیت این دادگاه است. درمجموع نمونه‌های دیگر از توسعه و رشد نهادهای نظارت بر این اسناد از قبیل دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر، کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه و مجازات‌ها یا اعمال غیرانسانی یا تحقیرآمیز، کمیته حقوق بشر، دیوان عدالت

اصلی حقوق مشترک بشریت را تشکیل می‌دهد (بیگ زاده، ۱۳۸۷: ۳۶). التزام و دفاع از تکثر فرهنگی در عین التزام به جهان‌شمولی حقوق بشر ایده‌ای است که در اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۱ یونسکو بر آن تأکید شده است. با توجه به آنکه تدوین‌کنندگان اعلامیه بر این امر واقف بوده‌اند که تنوع و تکثر فرهنگی می‌تواند دستاویز نقض حقوق بشر قرار گیرد، اولین بخش اعلامیه به مسأله تنوع فرهنگی و حقوق بشر اختصاص داده شده است. همچنین در ماده ۴ تصریح شده که هیچ‌کس نمی‌تواند تنوع فرهنگی را دلیلی بر نقض یا محدود کردن حقوق بشر بین‌المللی قرار دهد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

حقوق کیفری، نظامی از ارزش‌ها است که نقض بایدونباید‌های آن، جرم تلقی می‌شود و مجازات، ضمانت اجرای دوام و بقای آن است. نظام‌های داخلی در فرایند جهانی‌شدن حتی علی‌رغم میل حکام، مجبور به پذیرش نُرُم‌های جهانی می‌شوند. جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام ارزشی جهانی شده، مبتنی بر معیارهای عام حقوق بشر است و خواست حاکمان مستبد، ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی، نسبی‌گرایی فرهنگی و... نمی‌تواند مانع آن شود. طرد کشوری که وضع قوانین کیفری‌اش مطابق با استانداردهای جهانی حقوق بشر نیست، اولین شکل برخورد است. محکومیت، صدور قطعنامه، حمله نظامی، بازداشت و محاکمه برای ناقضان این حقوق، از دیگر تضمینات به شمار می‌روند.

۴- آثار جهانی شدن بر نظام حقوق داخلی

۴-۱- دژواره شدن حقوق کیفری

یکی از مهم‌ترین انتقادات لیبرالیستی وارد شده بر حقوق کیفری به بحث امنیتی و دژواره شدن این بخش از حقوق برمی‌گردد؛ (شمعی، ۱۳۹۲: ۲۳۸) در این صورت ممکن است مردم احساس خطر و ناامنی بیشتری نمایند. این سبقه از حقوق کیفری به مقوله جهانی‌شدن جرم آن هم از طریق فضای سایبر بی‌ارتباط نیست. این ایراد از سوی «لیبرال‌ها» و کسانی که طرفدار افراطی آزادی انسان هستند نیز می‌تواند به شکل دیگری مطرح شود. زیرا آنها مخالف روش‌هایی هستند که برای شهروندان ایجاد قید و بند و محدودیت بدون توجیه

جرم‌انگاری هر کشور محسوب می‌شوند و تفاوت در ارزش‌های مورد حمایت با چالش‌هایی روبه‌رو شده است (Natarajan, 2019: 87-88). همین امر باعث شده که در کمیت و کیفیت پذیرش قواعد جهانی از سوی دولت‌ها تفاوت‌هایی مشاهده شود و آمادگی دولت‌ها در جرم‌شناختن اعمالی که منافع مستقیم آن‌ها را تهدید می‌کند، بیشتر از آمادگی آن‌ها در جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده مردمان تحت حاکمیت خود باشد. دولت‌ها با پذیرفتن تعهدات بین‌المللی در قلمرو حقوق کیفری، به‌نوعی اعمال حاکمیت مطلق خود را در قلمرو جرم‌انگاری، تعیین کیفر، تعقیب، محاکمه و... محدود یا سلب می‌کنند؛ اما با پذیرش اصول و نهادهای حقوقی مصرح در نظام بین‌المللی حقوق بشر، نظام‌های کیفری خود را درجهت همگرایی، متحول و درواقع تا اندازه زیادی به هم نزدیک می‌کنند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۸: ۸۹).

دومین مانع، نسبیت‌گرایی فرهنگی است. نسبیت‌گرایی فرهنگی، تعیین قواعد حقوقی را بسته به عرف، سنت، محیط و عوامل عینی که هر جامعه به‌نوعی با آن درگیر است می‌داند. توسل به نسبیت‌گرایی از جانب برخی کشورها توجیهی برای نقض اصول عام حقوق بشر که مرزهای مشترکی با حقوق کیفری دارد در مقابل کسانی که به درستی، بر جهان‌شمولی این حقوق اصرار ورزیده‌اند نیز بوده است (توحیدی فر، ۱۳۸۰: ۳۹). جهان‌شمول بودن حقوق بشر از دستاوردهای نوین تمدن بشری است. کسانی که نسبیت فرهنگی را در مقابل جهان‌شمولی حقوق بشر قرار می‌دهند در فهم مفهوم فرهنگ، دچار سردرگمی بوده و فهم قابل‌دفاعی از اخلاق و رابطه آن با رفتارهای اجتماعی ارائه نمی‌دهند. در پاسخ به آنان باید گفت استانداردهای جهان‌شمول حقوق بشر، به یک فرهنگ خاص تعلق ندارد و درحقیقت ترجمان حقوقی حق‌های اخلاقی است که تمام فرهنگ‌های انسانی در فضای آن می‌توانند رشد و نمو کنند. ادعای اختصاص این هنجارها به فرهنگی خاص از یک سو اهانت به سایر فرهنگ‌ها است و از سوی دیگر اعتبار و حیثیت بیش‌ازاندازه به آن فرهنگ خاص است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۷۲). بنابراین کثرت‌گرایی که حاوی همزیستی عقاید مختلف است، ویژگی

جرم که از سوی پلیس اتخاذ می‌شود چه در محیط فیزیکی و چه در فضای مجازی یکسان است و پلیس در پیشگیری از وقوع جرایم سایبری، همان جایگاه خود را خواهد داشت. در واقع اقدامات پلیس، چیزی جز مبارزه وضعی و سیاست عام این نهاد در مقابله با سایر جرایم نیست، اما آنچه باعث تفاوت در این حوزه می‌شود، ویژگی‌های منحصر به فرد جرایم سایبری است که شیوه‌های اجرای خاص خود را به‌منظور تحقق این سیاست عام طلب می‌کند. در ایران نیز تشکیل پلیس فتا را می‌توان در راستای تخصصی‌شدن مبارزه با بزهکاری و بزه‌دیدگی سایبری تعبیر نمود.

بدین ترتیب جهانی‌شدن فضای سایبر همان‌گونه که فرصت‌های امنیتی تازه‌ای را برای انسان به ارمغان می‌آورد، تهدیدهای نوینی را هم تولید می‌کند که هستی بسیاری از جوامع سیاسی را هدف قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن در فضای سایبر فقط مفهوم امنیت جهانی را در این فضا به ما نمی‌دهد بلکه ناامنی نیز از درون آن زاده می‌شود. جهانی‌شدن جرایم سایبری و پرمخاطره‌شدن جوامع در برخورد با این جرایم، تمایل سیاست‌گذاران را به اولویت بخشیدن امنیت بر عدالت حتی در این فضا شدت بخشیده است و تحت تأثیر آن توجیه اصلی مجموعه اقدامات کنترلی بوده که در این فضا اعمال شده و آزادی‌های مدنی را دستخوش تزلزل قرار می‌دهند. برای مثال می‌توان به استفاده از سازوکارهای عظیم پیشگیری از جرم پس از حوادث تروریستی در آمریکا و کشورهای اروپایی اشاره کرد که بر فضای رعب و وحشت افزوده است (Shaffer & Aaronson, 2021: 71).

این موضوع در فضای سایبر، تقابل بین حریم خصوصی و امنیت را نیز مطرح کرده است. شواهد زیادی مبنی بر نقض حریم خصوصی مردم در فضای سایبر توسط دولت به دلیل حفظ امنیت ملی وجود دارد. برای مثال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا، دولت به‌منظور بالا بردن امنیت داخلی قانونی موسوم به «پاتریوت» به تصویب رسانید که به واسطه آن امکان دسترسی به «رایانامه» شهروندان آمریکایی وجود داشته باشد. اگر چه می‌توان گفت در صورتی که منفعت

می‌کند. به این بیان استفاده بیش از حد از موانع و محدودیت‌ها، ایجاد یک جامعه محدودیت‌گرا، قیومت‌طلب و نظامی یا به تعبیری یک جامعه دژواره را در پی دارد. در حالی که در یک جامعه متمدن بایستی در حد امکان از قید و بندها کاست و انسان در حدود قانون محدود باشد (صفاری، ۱۳۸۸: ۲۲۵). به تعبیر فیلیپ ماری محقق بلژیکی این حالت مرحله گذار دولت اجتماعی به دولت کیفری یا دولت اجتماعی امنیتی است. ظهور دولت اجتماعی به اواخر قرن نوزدهم و زمان تصویب قوانین حمایت از زنان و کودکان باز می‌گردد (شمعی، ۱۳۹۱: ۶۱).

تعداد زیاد عناوین مجرمانه که مربوط به فضای سایبر می‌باشد مقوله ترس از جرم را امروزه بین شهروندان افزایش داده است. همچنین در این فضا باید از مقوله پیشگیری از جرم و آثار اجرایی جرایم جهانی شده نیز یاد کرد که به حقوق کیفری ماهیت دژواره و امنیتی داده‌اند. طرح این سخن از این‌رو است که حقوق کیفری به بیشترین حوزه‌های زندگی افراد وارد شده و همچنین ابزارهای پیشگیری از جرم نیز امروزه همین نقش را ایفاء می‌کنند. گسترش پیشگیری از جرم، شاخه‌های مختلفی از پیشگیری را مطرح کرده که به فضای امنیتی در جوامع منتهی گشته است (Piza & Welsh, 2021: 31).

بنابراین با این ادعا که جرایم جهانی در فضای سایبر، نظیر تروریسم سایبری، جرایم سازمان‌یافته سایبری و... به‌صورت گروهی و بر خط در حال رشد می‌باشند و از این‌رو نیازمند پاسخی از سوی نیروهای مسلح می‌باشند، پلیس‌ها نیز در فضای سایبر وارد در امر شده‌اند. اگرچه حقوقدانان به‌منظور حفظ نظم جامعه و پیشگیری از وقوع جرم، برای قوانین آیین دادرسی کیفری اهمیت بیشتری قائل شده‌اند (آخوندی، ۱۳۸۰: ۱۴۵) و پلیس را صرفاً مسؤول کشف و تعقیب جرایم می‌پندارند، اما باید اذعان داشت که پلیس را می‌توان مهم‌ترین عامل پیشگیری از جرم به‌شمار آورد، زیرا نقش حساس آنها اقتضا می‌کند که گام‌هایی جلوتر از زمان برداشته و از پیش، آمادگی‌های لازم برای مواجهه با ناامنی‌های احتمالی آینده را احراز کنند. بی‌تردید، سیستم کلان مبارزه با

نظام جزایی مبتنی بر دموکراسی و حاکمیت قانون، در تحدید آزادی شهروندان به حداقل اکتفا کرده و از مداخله بی‌مورد و بی‌اندازه در حریم خصوصی و حتی حوزه‌های عمومی پرهیز می‌کند. از این‌رو بسیاری تحقّق نظام سیاسی دموکراتیک را وابسته به استفاده حداقلی دولت از ابزارهای حقوق جزا یا جرم‌انگاری کمینه و جرم‌زدایی از رفتارهای غیرضروری دانسته‌اند (شمعی: ۱۳۹۲: ۱۳۸).

به نظر می‌رسد در حال حاضر، جهانی‌شدن جرم یکی از عوامل مهم تورم کیفری به جهت ظهور آثار منفی پیشرفت صنعت و تکنولوژی اطلاعات، در نظام‌های مختلف حقوق باشد، زیرا در چند سال اخیر، قانونگذاری‌های ملی و بین‌المللی پیرامون جرایم فراملی و سازمان‌یافته به خصوص در فضای سایبر، هم از حیث کمیت و هم از نظر کیفیت متفاوت با سایر قانونگذاری‌ها بوده است. لیکن آنچه اهمیت زیادی دارد این است که هراس ناشی از جرایم مذکور، قانونگذاران را به جرم‌انگاری‌های افراطی هدایت کرده است و این به نوبه خود در کاهش امنیت و آزادی‌های فردی تأثیرگذار می‌باشد؛ چراکه هر اندازه سیاهه جرایم در مجموعه قوانین و مقررات بیشتر باشد مردم احساس ناامنی بیشتری می‌کنند. به نظر می‌رسد فضای سایبر نیز در این موضوع نقش داشته است. خلق جرم‌انگاری‌های جدید نظیر جعل، کلاهبرداری، سرقت و... در فضای سایبر به همین موضوع مربوط است.

۴-۳- تهدید حقوق بشر

حقوق بشر در برگرفته مجموعه‌ای از حقوق بنیادین برای افراد بشر می‌باشد. به عبارت بهتر می‌توان گفت حقوق بشر مجموعه‌ای از موازین اصولی درباره تعهداتی است که تمامی افراد را بر مبنای حیثیت و کرامت انسانی در بر می‌گیرد. این موازین به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان هنجارهای بین‌المللی پذیرفته شده و بر تعالی و رشد انسان به‌طور اساسی تأکید کرده‌اند. «این حقوق در بر گیرنده حق حیات، آزادی و همه عناصر لازم برای یک زندگی انسانی می‌باشد. هنجارهای حقوق بشری رابطه‌ای را میان فرد و دیگر حوزه‌ها به‌ویژه دولت‌ها به وجود می‌آورد و تعهداتی را ایجاد می‌کند.» (مصفا، ۱۳۸۷: ۲۶۰) ماهیت حقوق بشر مستلزم این مفهوم است که هر فرد به

عمومی‌حاصل از امنیت ملی بیش از منفعت حاصل از اطلاعات محرمانه باشد، اطلاعات مورد حمایت واقع نمی‌شوند و به‌طور کلی دادگاه‌ها به امنیت ملی چنان اهمیتی می‌دهند که بر اساس آن حکم به افشای اطلاعات محرمانه می‌نمایند (شمعی، ۱۳۹۰: ۶۲). ویژگی مشترک تمام سیاست‌های ضد تروریستی این است که بر آن هستند تا اختیارات قوه مجریه را گسترش دهند و از طرفی پاسخگویی آنها را کاهش دهند، به‌گونه‌ای که برخی از پرونده‌های مربوط به تنش میان حقوق و آزادی‌های فردی و اقدامات قوه مجریه در کشورهای اروپایی به دادگاه اروپایی حقوق بشر کشیده شد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۶).

۴-۲- تورم کیفری و جرم‌انگاری افراطی

باید توجه داشت که وظیفه اصلی یک حقوق‌دان، قانونگذار و به‌طور کلی جامعه کیفری از جایی شروع می‌شود که رفتاری جرم شناخته می‌شود و به موجب قانون برای آن مجازات تعیین می‌شود. اما یک گام به عقب بر می‌گردیم و پرسش اصلی و اساسی را مطرح می‌کنیم. پرسش این است که قانونگذار بر مبنای چه معیار و ملاکی از طریق مکانیسم و سازوکار جرم‌انگاری خود را مجاز به دخالت در حوزه حقوق و آزادی‌های افراد جامعه می‌داند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۳). در هر جامعه پاره‌ای از اعمال و رفتارها جزء ارزش‌های آن جامعه تلقی می‌شوند. برخی از ارزش‌ها عام و جهانی هستند و حمایت از آنها در هر کشوری مورد تأکید مردم و قانونگذار کیفری قرار می‌گیرد. ولی برخی دیگر از ارزش‌ها با توجه به عرف و سنن و فرهنگ جوامع متفاوت هستند و نسبی‌گرایی ارزش‌ها در اینجا است که ظهور می‌کند. اما به‌طور کلی آنچه باید گفت آن است که حمایت حقوق کیفری از ارزش‌ها گزینشی است و حمایت از هرگونه ارزشی در چارچوب حقوق کیفری قرار نمی‌گیرد (Steger, 2020: 129).

منظور از تورم کیفری «تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطورنمودن بی‌حساب و کتاب مجموعه قوانین جزایی است.» (جاهد، ۱۳۸۳: ۴). تورم کیفری زمانی اتفاق می‌افتد که قانون جزایی فراتر از عملکردهای قانونی‌اش می‌رود و خطوط مشخصی بین قانون جزایی و رفتارهای اشخاص وجود ندارد.

فعالیت‌های پلیسی، قوانین کیفری در مواجهه و مقابله با جرایم سازمان‌یافته در فضای سایبر، سخت‌گیرانه ظاهر شده‌اند. حتی در اکثر کشورهایی که از نظر سیستم حقوقی پیشرفته محسوب می‌شوند مشاهده شده است که قانونگذار صریحاً مصالح اجتماعی را بر منافع فردی ترجیح داده و حقوق و آزادی‌های فردی را نسبت به سایر جرایم محدود نموده است.

۴-۴- آسیب‌پذیری دولت‌ها در قبال جرایم جهانی شده

یکی از چالش‌هایی که برای دولت‌ها در قبال جرایم جهانی شده وجود دارد آسیب‌پذیری آنها در قبال این جرایم می‌باشد. این آسیب‌پذیری را البته می‌توان از حیث تعارض سیاست جنایی کشورها در زمینه جرایم، در مرحله قضایی دانست و همچنین در مرحله اجرایی نیز می‌توان بحث آسیب‌پذیری را مطرح ساخت. بحث تعارض جرایم جهانی شده با سیاست جنایی را می‌توان از این حیث مطرح کرد که سیاست جنایی در سطح ملی با سطح جهانی در تعارضاتی با هم قرار داشته باشند. به هر حال تعیین سیاست و خطمشی گذاری در سطوح ملی با آنچه در حقوق بین‌الملل اتفاق می‌افتد هر چند به‌طور طبیعی مشابهت‌هایی با هم دارند اما از حیث بین‌المللی با توجه به آنکه طرز تفکر و دیدگاه‌های کشور یا کشورها یا منطقه خاصی را در اولویت قرار نمی‌دهند با هم متفاوت‌اند (فرهاد پور، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

امروزه تحدید حاکمیت ملی به تبعیت از جرایم بین‌المللی شده را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین تهدید و آسیب حاکمیت ملی دانست. سیاست جنایی در سطح ملی با آنچه حاکمیت حقوق بین‌الملل و به‌خصوص سازمان ملل متحد در صدد تبیین سیاست‌گذاری مربوط به این شاخه از علم حقوق است به گونه‌ای رقیب و رودرروی هم قرار دارند. از حیث اجرایی نیز می‌توان موضوع را مورد بررسی قرار داد. جرایم جهانی شده نیازمند مقابله و تبیین و تعیین خطمشی برای مبارزه هستند و از این رو سیاست‌های اجرایی هر ساله بر بدنه اجتماعی جوامع هزینه‌هایی ناخواسته تحمیل می‌نماید. این هزینه‌ها یا به واسطه اجرای معاهدات بین‌المللی کیفری است که تعهد و التزام دولت‌ها را به معاهدات نشان می‌دهد یا ناشی از

سبب انسان بودنش بدون چون‌وچرا حائز حقوقی است، زیرا مقوله انسانیت از اوضاع و احوال، مدارج و منزلت و شایستگی‌های متفاوت اجتماعی افراد جدا است.

در واقع حقوق بشر آن دسته از قواعد و هنجارهایی است که از طریق اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و اساس رفتار دولت‌ها را با شهروندانشان تشکیل می‌دهد. در حقیقت با وجود اعتقاد به جهان شمولی حقوق بشر و وابستگی متقابل آن حقوق به یکدیگر تردیدی نیست که از میان هنجارهای حقوق بشری دسته‌ای از حقوق غیر قابل انحراف و غیر قابل تعلیق وجود دارند که به درستی می‌توان آنها را «حقوق بنیادین بشر» نامید (نوروزی، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

یکی از تهدیدات جهانی‌شدن جرم در فضای سایبر بر نظام‌های حقوق کیفری، تهدید حقوق بشر یا همان مقررات امنیت‌محور و سخت‌گیرانه علیه حریم خصوصی است. ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی که البته تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است! مقرر می‌دارد «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن، قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران، حریم خصوصی محسوب می‌شوند».

در واقع در یک جامعه دموکراتیک باید توانایی لازم برای ایجاد و حفظ اشکال مختلف از روابط اجتماعی بین شهروندان با مردم متفاوت وجود داشته باشد. ابزار لازم برای این مقوله آن است که مردم زندگی مستقل از یکدیگر داشته باشند و آنچه در این میان مهم تلقی می‌شود، آسودگی ذهن و آرامش فیزیکی است. بر همگان آشکار است که مطابق مواد ۳، ۱۲ و ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس حق آزادی، امنیت شخصی و حریم خصوصی و اجتماعی دارد و هیچ کس را نباید مورد تجاوز و مداخله خودسرانه قرار داد. در نتیجه جهانی‌شدن جرم در فضای سایبر و به‌منظور تسهیل

همکاری چند جانبه و بین‌المللی در اثر فرایند جهانی‌شدن می‌باشد. برای مثال هزینه‌هایی که باید صرف بهداشت، تأمین اجتماعی و رفاه شهروندان شوند در راستای مقابله و پیشگیری از جرم صرف می‌گردند.

کنوانسیون جرایم سایبر ۲۰۰۱ نیز درباره اصول کلی راجع به همکاری بین‌المللی است که مقرر می‌دارد اعضا باید بر اساس مقررات این فصل و با اجرای اسناد بین‌المللی مربوط به همکاری بین‌المللی در موضوعات کیفری، طبق ترتیبات توافق شده راجع به قانونگذاری یکسان یا دوجانبه^۱ و قوانین داخلی، برای دستیابی به گسترده‌ترین حوزه تحقیقات یا رسیدگی‌های قضایی راجع به جرایم مرتبط با سیستم‌های رایانه‌ای و داده‌ها یا جمع‌آوری ادله الکترونیکی در جرایم، با یکدیگر همکاری کنند.

از حیث قانونگذاری نیز محدود نمودن قوه مقننه قابل بحث و بررسی می‌باشد. به‌رحال، جرم‌انگاری در سطح داخلی و در سطح حقوق بین‌الملل و به تبعیت از فرایند جهانی‌شدن تحدیدی بر حقوق کشورها در زمینه قانونگذاری ملی به‌شمار می‌رود. به‌عبارت واضح‌تر دیگر نمی‌توان کشورها را در زمینه قانونگذاری و جرم‌انگاری در جرایم جهانی‌شده تنها تابع الزامات و محدودیت‌های حقوق داخلی دانست. به‌طور خلاصه و نتیجه در این مبحث می‌توان چنین اظهار نظر کرد که جرایم جهانی شده حاکمیت و مرزهای مرئی دولت‌ها که خواست حاکمان به تبعیت از اراده مردم در آن شکل گرفته را مدّ نظر قرار نداده و نگاهی فرامرزی به مقوله جرم و مجازات دارند. مرزهای در هم تنیده شده در فرایند جهانی‌شدن چنین آثار و تبعاتی را در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه بیان شد فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر این‌که تغییر گفتمان نظام حاکم بر جرایم و مجازات‌ها در عصر جهانی شدن، دژواره‌شدن حقوق کیفری، تورّم کیفری و جرم‌انگاری افراطی، تهدید حقوق بشر، آسیب‌پذیری دولت‌ها در قبال جرایم جهانی شده، آثار مهم جهانی شدن بر

بنیان‌های نظام‌های حقوق کیفری ملی می‌باشند به اثبات رسید. حقوق کیفری، نظامی از عالی‌ترین ارزش‌ها و نُرم‌ها محسوب می‌شود. در واقع هنگامی که حمایت کیفری از ارزش‌های حقوقی در قالب عناوین کیفری مطرح می‌شود، اهمیت بیش از پیش این قواعد بر همگان آشکار می‌شود. رسالت حقوق کیفری هنگامی که با ارزش‌های انسانی و حقوق بشری جهانی شده پیوند می‌خورد اهمیتی دو چندان می‌یابد؛ چراکه پاره‌ای از ارزش‌های جهان‌شمول حقوق بشری، جزء حقوق واجد جنبه کیفری نیز به‌شمار می‌روند و از این‌رو حمایت از آنها به‌طور مشترک در عصر جهانی شدن به هر دو بخش حقوق واگذار شده است؛ بخشی از این حمایت‌ها به عهده حقوق کیفری است و بخشی دیگر به عهده حقوق بشر می‌باشد.

اما پس از شکل‌گیری جامعه ملل متحد و سازمان ملل متحد از نیمه‌های قرن گذشته، در سطوح حقوق کیفری نیز تغییر و تحولاتی صورت پذیرفت که از آن جمله می‌توان به تغییر گفتمان و نظم حقوقی حاکم بر این عرصه سخن گفت. در واقع تأثیر گفتمان حقوق بشر بر این عرصه از مهم‌ترین تحولاتی است که باید از آن یاد کرد و اندیشمندان حقوق و علوم سیاسی از آن به «انسانی شدن قواعد حقوقی» یاد کرده‌اند. لزوم حمایت از شخصیت انسانی و اصالت و اولویت دادن به وی و اصل محسوب شدن انسان و غایت قرار گرفتن وی، تفسیرهای شخصی و ابزار تلقی شدن انسان را محکوم کرد و بر اهمیت وی از لحاظ مذهبی و غیر مذهبی با بنیان‌های تئوریک مربوطه تأکید نمود.

پس از تغییرات مربوط به بین‌المللی شدن و جهانی شدن و آثار مثبت و منفی هر دو، ازجمله مهمترین تحولات در عرصه حقوق کیفری می‌توان از تغییر گفتمان نظام حاکم بر جرایم و مجازات‌ها در عصر جهانی شدن، به تأثیر از فضای سایبر نام برد. در فضای سایبر امکان تحقق برخی از انواع بزهکاری و بزه‌دیدگی، بیشتر از جهان مادی و فیزیکی است چرا که ظهور و بروز آنها به محیطی امن و آرام هم برای بزه‌کار و هم برای بزه‌دیده نیاز دارد. از این‌رو ارتکاب بسیاری از جرایم با عناوین سنتی آنها، امروزه در فضای سایبر اتفاق می‌افتد.

^۱-Uniform or Reciprocal Legislation

کلاهبرداری، جعل، سرقت و... همان عناوین سنتی هستند که در فضای سایبر نیز امکان رخداد یافته‌اند.

همچنین فضای سایبر به دلیل ماهیت خاص خود، چالش‌هایی را برای پیشگیری از جرم ایجاد کرده است. این چالش‌ها نه تنها به فضای مجازی که امکان ارتکاب جرم در آن وجود دارد باز می‌گردد بلکه مربوط به جهان فیزیکی و مادی نیز می‌باشند. یعنی علاوه بر غیرمحموس بودن فضای سایبر که اسناد و مدارک در آن غیرلموس بوده و عینی نیستند در فضای سایبر ممکن است گونه‌های مختلف پیشگیری چالش‌هایی را نظیر تعویض و جابه‌جایی آماج که بسیار بیشتر از جهان مادی امکان وقوع آن است، خدشه دار شدن حقوق بشر، نقض حریم خصوصی، ارائه یک تحلیل ابزاری از بزهکار و... ارائه دهد. پس در مجموع می‌توان گفت ماهیت متفاوت فضای ارتکاب جرم، بحث در مورد ادله و اثبات جرم و حتی روش‌های پیشگیری از آن را متفاوت می‌سازد.

مصادیق جرایم جهانی شده در فضای سایبر، نظیر جرایم اقتصادی و پولشویی، فساد مالی، قاچاق، تروریسم و جاسوسی، اکثریت دولتها را با نظم نوینی در برخورد با پدیده مجرمانه روبه‌رو کرده است. بر این اساس جرایم دیگر ماهیت داخلی و محلی و محدود به یک فضای محدود فیزیکی را ندارند و از این رو ماهیت جهانی جرایم و نامحموس بودن یا کم محسوس بودن ارتکاب آن در فضایی غیرواقعی، به ارتکاب سریع و آسان‌تر آن برای مجرمین و امکان سازمان یافتگی راحت‌تر جرایم کمک کرده است. به همین دلیل مقابله با پدیده مجرمانه دیگر نمی‌تواند تنها به کمک نظم هنجارمند داخلی تنظیم گردد و عزم جهانی و توافقی‌های فراملی برای مقابله با آن بایستی به وجود آید. در راستای نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود جرم‌انگاری‌های مشترک و دو طرفه، ترسیم سیاست‌های مقابله با جرایم جهانی شده سایبری، تنظیم مجازات‌های واحد و متحد‌الشکل در فضای حاکمیت جهانی، تصویب قوانین واحد در سطح منطقه‌ای و جهانی، تنظیم مقررات واحد برای شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات اینترنتی، تبیین سیاست‌های واحد پیشگیرانه نسبت به جرایم سایبری جهانی، اتخاذ روش‌های واحد برای مقابله با

تشکیل گروه‌های سازمان یافته در فضای سایبر، استفاده از سانسور و فیلترینگ در موارد ضروری، از جمله مهمترین تدابیری است که بایستی اتخاذ شوند.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله موارد مربوط به اخلاق در پژوهش، امانتداری در استناد به متون و نیز ارجاعات مقاله به صورت کامل رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم نظریه، ایدئولوژی*. تهران: نشر مؤسسه مطالعات ملی.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ نهم، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷). «دولت و جهانی‌شدن حقوق». *نشریه تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۵ و ۲۶: ۲۹-۶۰.
- پورنوری، منصور و محمد حبیبی (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل دریاها، کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲*. تهران: مهد حقوق.
- پیکا، ژرژ (۱۳۸۹). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- توحیدی‌فر، محمد (۱۳۸۰). «فرایند جهانی‌شدن حقوق کیفری». *نشریه مدرس*، (۴): ۳۷-۵۹.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). «حمایت کیفری از کودکان در برابر تورسیم جنسی، از منع جهانی تا واکنش نظام‌های کیفری داخلی». *نشریه تحقیقات حقوقی*، ۵۰: ۸۱-۱۲۱.

- نوروزی، مریم (۱۳۸۲). «تعهدات سلبی دولت‌ها برای حمایت از حقوق بنیادین بشر». *مجله حقوق و علوم سیاسی*، ۶۰: ۳۷-۵۹.

- والرش‌تاین، ایمینوئل موریس (۱۳۷۷). *سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی.

- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۸). *مختصرالنافع (حقوق جزای عمومی)*. تهران: خط سوم.

ب. منابع انگلیسی

- Bohlander, M (2010). *Globalization of Criminal Justice*. London: Ashgate; 2010.

- Fraser, J & Leyh, B (2020). *Intersections of Law and Culture at the International Criminal Court*. London: Edward Elgar; 2020.

- Mitsilegas, V; Alldridge, P & Cheliotis, L (2015). *Globalisation, Criminal Law and Criminal Justice: Theoretical, Comparative and Transnational Perspectives*. London: Bloomsbury Publishing.

- Natarajan, M (2019). *International and Transnational Crime and Justice*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Nelken, D (2013). *Comparative Criminal Justice and Globalization*. London: Ashgate Publishing.

- Piza, E. L & Welsh, B (2021). *The Globalization of Evidence-based Policing: Innovations in Bridging the Research-practice Divide*. Hague: Routledge.

- جاهد، محمد عالی (۱۳۸۳). *ضرورت جرم‌زدایی در حقوق کیفری ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بابل‌سر: دانشگاه مازندران.

- حبیب زاده، محمد و زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۴). «درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم‌انگاری (ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)». *نامه مفید*، ۴۹: ۹۳-۱۲۰.

- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۷۳). *حقوق کیفری بین‌الملل*. تهران: میزان.

- دلماس‌مارتی، میری (۱۳۷۸). «جهانی‌شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات». ترجمه اردشیر امیرارجمند، *نشریه حقوقی بین‌المللی*، ۲۴: ۷۱-۹۲.

- صفاری، علی (۱۳۸۸). «انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۳۵: ۸۹-۱۰۲.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل عمومی*. چاپ سی‌ویکم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- فرهادپور، محمود (۱۳۸۷). *عصر جهانی شدن*. چاپ اول، تهران: نشر مهریار.

- فیوضی، رضا (۱۳۸۶). *حقوق بین‌المللی کیفری*. تهران: نشر دانشگاه تهران.

- قاری سیدفاطمی، محمد (۱۳۸۸). *حقوق بشر در جهان معاصر*. جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- اسماعیل‌زاده کاشفی، حسن (۱۳۸۴). «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی». *نشریه الهیات و حقوق*، ۱۵ و ۱۶: ۲۵۳-۲۹۴.

- مصفا، نسرین (۱۳۸۷). «جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل». *فصلنامه سیاست*، ۳۸(۴): ۲۵۹-۲۷۷.

- میلر، دیوید ملیت (۱۳۸۳). *تمدن ایران*. ترجمه داود غریاقی زند، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

Justice. Cambridge: Cambridge University Press.

- Stahn, C (2019). A Critical Introduction to International Criminal Law. Cambridge: Cambridge University Press.

- Steger, M. B (2020). Globalization: A Very Short Introduction. Oxford: Oxford University Press.

- Robinson, D (2020). The Oxford Handbook of International Criminal Law. Oxford: Oxford University Press.

- Schweppe, J & Walters, M (2016). The Globalization of Hate: Internationalizing Hate Crime?. Oxford: Oxford University Press.

- Shaffer, G & Aaronson, E (2021). Transnational Legal Ordering of Criminal